

دانمارک

کپنهاک - به مناسبت شانزدهمین سالگرد حماسه سیاهکل و نهمین سالروز قیام مسلحانه بهمن ماه ۵۷ بزرگداشتی در تاریخ ۷ فوریه از طرف **انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سچفغا** در کپنهاک برگزار گردید. در این بزرگداشت ضمن اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی، غرفه کتابی نیز در محل اجرای مراسم ترتیب داده شده بود که سازمانهای سیاسی و مترقی ایرانی، و حزب کارگران کردستان ترکیه (PKK) در آن شرکت داشتند. مراسم بزرگداشت، با یاد به خون تپیدگان پیشگام جنبش نوین کمونیستی ایران در رستاخیز سیاهکل، و با گرامیداشت قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۵۷، اراکشی تاریخی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به زبان دانمارکی آغاز شد. پس از اجرای سرود سیاهکل به وسیله رفقای هوادار، پیام سازمان به مناسبت حماسه سیاهکل و قیام پرشکوه بهمن ۵۷ به دو زبان فارسی و دانمارکی خوانده شد. و در ادامه برنامه، نمایشنامه **اقدامهای انجام شده** از برتولت برشت اجرا گردید که با استقبال حاضرین روبرو گشت. در خلال برنامه پیام رفقای حزب کارگران کردستان ترکیه به مناسبت تولد سازمان خوانده شد که در آن همبستگی انترناسیونالیستی خود را با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در راه رهایی پرولتاریای ایران اعلام کردند. همچنین برنامه‌های متنوعی شامل: آواز ایرانی، موسیقی و آواز ترکی و کردی، رقص کردی و گیلکی، آواز لری خرم‌آبادی، اجرا گردید، که به هنگام اجرای این بخش از برنامه‌ها شعارهای پرشور انقلابی نیز توسط حاضرین داده می‌شد. در پایان فیلم کوتاهی از وقایع انقلاب فرهنگی در دانشگاه تهران به نمایش در آمد، و سپس با پخش سرود انترناسیونال مراسم به پایان رسید.

انگلستان

لندن - روز جمعه ۲۰ فوریه، مراسمی در بزرگداشت سالروز سیاهکل و قیام بهمن برگزار شد. برنامه‌های متنوع این جلسه عبارت بودند از خواندن پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، اجرای موسیقی مترقی، نمایش فیلم سه ترانه برای لنین و شعرخوانی اسماعیل خویی. در بخشی از برنامه یکی از هواداران دو یول (راه انقلابی) در انگلستان پیام این سازمان به سازمان چریکهای فدایی خلق

کپنهاک - به منظور گرامیداشت قیام پرشکوه ۲۲ بهمن، و به حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، و پشتیبانی از حرکت‌های اعتراضی اخیر خانواده‌های آنان، در تاریخ چهارشنبه ۱۱ فوریه ۸۷ **انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سچفغا** با شرکت چند نیروی سیاسی ایرانی و جمعی از پناهندگان ایرانی در دانمارک، اقدام به اجرای آکسیونی اعتراضی در جلوی سفارت جمهوری اسلامی کرد. در این آکسیون پلاکاردهایی با شعارهای: تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی، مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش، و رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات

ایران را خواند. در قسمت دوم، پیام جنبش بیداری سیاهان آزانیا توسط یکی از اعضای این جنبش خوانده شد و هواداران این جریان برنامه‌ی بسیار جالبی از ترانه‌های اعتراضی سیاهان آفریقای جنوبی اجرا کردند. در قسمت آخر برنامه، نمایشنامه‌ی پس فردا بهشت توسط کمیته هنری سازمان دانشجویان اجرا شد که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. در این جلسه، بیش از ۱۱۰ نفر شرکت کرده بودند.

ضدامپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران، به وسیله رفقای هوادار حمل می‌شد. همچنین رفقای هوادار سازمان با پخش اعلامیه‌های گوناگون راجع به ماهیت جنگ ایران و عراق و افشای جنایات رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی، به زبانهای فارسی، انگلیسی، دانمارکی، در بین شرکت کنندگان در آکسیون و شهروندان دانمارکی، در حالی که ساختمان سفارت در محاصره نیروهای پلیس دانمارک بود، با دادن شعارهای کوبنده مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر امپریالیسم، ترور، شکنجه اعدام نابود باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، سفارت جمهوری جهان و جنایت اسلامی ایران را به لرزه درآوردند.



کپنهاک

آلمان غربی

برلن غربی - روز جمعه، ۶ فوریه، جلسه‌ای در بزرگداشت سالروز قیام بهمن و رستاخیز سپاهک، در شهر برلن در آلمان برگزار شد. در این جلسه که با برنامه‌ی گروه سرود آغاز شد، مقاله‌ای در بزرگداشت این روزهای تاریخی خوانده شد. نمایش اسلاید و اجرای برنامه از سوی گروه موسیقی متری، بخشهای دیگر این برنامه را تشکیل می‌دادند. در این مراسم بیش از ۷۰ تن از هواداران نیروهای انقلابی و هموطنان مقیم برلن شرکت داشتند.

هایدلبرگ - در روز ۲۲ فوریه ۱۹۸۷ سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مراسمی در گرامیداشت ۱۹ بهمن ۴۹ و قیام بهمن ۵۷، در شهر هایدلبرگ آلمان برگزار کرد. در این بزرگداشت بیش از ۱۷۰ نفر از هواداران سازمان و ایرانیان مقیم هایدلبرگ شرکت داشتند.

در این برنامه پس از خواندن پیام سازمان، گروه کر برنامه اجرا کرد. در ادامهی برنامه، تئاتر از مدرسه تا چپه که بیانگر چنایات رژیم جمهوری اسلامی و متحدین ضدانقلابیاش (حزب توده و دو جناح اکثریت) بود، اجرا شد که با استقبال شرکت کنندگان در جلسه روبرو

برلین

بروکسل - عصر شنبه ۱۴ فوریه ۱۹۸۷ برنامه‌ای به مناسبت بزرگداشت سالگرد قیام بهمن و حماسی سپاهک، از سوی رفقای هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، با شرکت ۸۰ نفر در بروکسل، برگزار گردید. ابتدا پیام سازمان به فارسی و

شد.

سوئد

فرانکفورت - روز شنبه ۱۴ فوریه، برنامه‌ی مشترکی به مناسبت هشتمین سالگرد قیام توده‌های ایران از سوی انجمن دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، اتحادیه‌ی دانشجویان ایرانی در آلمان غربی هوادار سابق سازمان پیکار و اتحادیه‌ی هواداران مبارزی مسلحانه (هم استراتژی - هم تاکتیک) در فرانکفورت ترتیب یافت. در این مراسم که ۱۵۰ نفر شرکت داشتند، ابتدا نوشته‌ای تحت عنوان نگاهی به ۸ سال حاکمیت جمهوری اسلامی خوانده شد و سپس برنامه‌ی گروه کر، برنامه‌ی گروه ترکی پیکارگران آزادی، سرود و دکلمه اجرا شد.

فرانکفورت - روز جمعه ۱۳ فوریه، سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی، مراسم بزرگداشت سپاهک را برگزار کرد. در این مراسم ۱۵۰ نفر از ایرانیان متری و پناهندگان سیاسی هوادار سازمان شرکت داشتند. در این بزرگداشت، پس از ارایهی پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، برنامه با دکلمه، سرود، ارایهی پیام سازمانهای متری و انقلابی به سازمان چریکهای فدایی خلق ادامه پیدا کرد.

فرانسه خوانده شد و سپس قطعاتی از موسیقی آمریکای لاتین توسط گروه موسیقی شیلی اجرا شد. آنگاه تاریخچه‌ی حماسی سپاهک و بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای رفقای خارجی حاضر در برنامه بیان گردید. در ادامه، ترجمهی شعر رود از رفیق سعید سلطانپور به زبان فرانسه و اشعار دیگری به زبان فارسی دکلمه شد. همچنین فیلم لحظات قیام و ویدیوی مرگ بر امپریالیزم به نمایش گذاشته شد.

کیرونا - به مناسبت گرامیداشت شانزدهمین سالروز حماسی سپاهک، روز بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، و هشتمین سالگرد قیام شکوهمند توده‌ها، دو روز بزرگ و دو نقطه عطف در تاریخ خونین مردم رنج دهنده میهنمان، برنامه‌ی ویژه‌ای از طرف رفقای هوادار سچفا مقیم کیرونا در شهر کیرونا برگزار شد.

این برنامه در تاریخ ۲۲ فوریه با حضور جمعی از پناهندگان ایرانی و عده‌ای از سوئدیه‌های علاقمند به مسایل ایران در سالی خائنی مردم شهر کیرونا برگزار شد. در آغاز برنامه سرود سپاهک، توسط گروه کر هواداران اجرا گردید، سپس اطلاعیه‌ی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت این دو روز سرخ در تاریخ میهنمان خوانده شد. در ادامه شعری از شاعر انقلابی، رفیق شهید فدایی خلق سعید سلطانپور به نام با کشورم چه رفته است همراه با موزیک اجرا گردید. رقص محلی شمالی برنامه‌ی بعدی بود. سپس سرود مهمن توسط گروه کر اجرا شد. و شعر جهان از فدایی شهید سعید سلطانپور همراه با اسلاید و موزیک اجرا شد و پس از آن رقص محلی بلوچی توسط رفقای هوادار به اجرا درآمد. آواز ایرانی، ادامه دهنده‌ی این برنامه بود که توسط یکی از رفقای هوادار اجرا شد.

در طی برنامه فیلمی از قیام ۵۷ و فیلم مرگ بر امپریالیزم ساختی رفیق شهید فدایی خلق سعید سلطانپور به نمایش گذاشته شد. در همین رابطه نمایشگاه عکسی نیز که نشان دهنده‌ی وضعیت ایران بود، به نمایش گذاشته شد. روزنامه‌ی NSD چاپ کیرونا، گزارش مفصلی از این بزرگداشت را منتشر کرد و به شرح مواضع سازمان پیرامون جنگ، بحران اقتصادی، شیوع سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و جز اینها پرداخت.

آمریکا

لس آنجلس - روز شنبه ۱۴ فوریه مراسمی در بزرگداشت قیام بهمن و رستاخیز سیاهکل در دانشگاه UCLA برگزار شد. در این برنامه پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت سیاهکل و قیام خوانده شد. سپس یکی از رفقای هوادار پیرامون شرایط کنونی ایران و مسأله جنگ و چشمانداز آینده آن سخنرانی کرد. در قسمتهای بعدی، اسلایدهایی در مورد رستاخیز سیاهکل، به همراه تحلیل جنبش از کودتای ۱۳۳۲ تا مقطع ۱۳۴۹ و افشای خط و مشی حزب تودهی خائن به نمایش گذاشته شد. سپس موسیقی مترقی ایران و ترکی به وسیله یکی از زلفا اجرا شد. پیامهای همبستگی نیروهای مترقی خارجی به سچففا بخش دیگری از برنامه را به خود اختصاص داد و پس از آن رفقای هوادار راجم به اوضاع اجتماعی سیستان و بلوچستان و موقعیت بامی استار و نقش سچففا در رابطه با جنبش خلق بلوچ انجام گرفت. در آخرین قسمت برنامه فیلم چگونه فولاد آبدیده شد به نمایش درآمد. این برنامه با شرکت بیش از ۱۴۰ نفر برگزار شد، که مورد استقبال فراوان شرکت کنندگان قرار گرفت.

نیویورک - در تاریخ یک شنبه ۱۵ فوریه ۸۷ برنامه‌ای به مناسبت گرامیداشت حماسی سیاهکا، و قیام بهمن ۵۷ توسط هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در نیویورک برگزار شد. در قسمت اول برنامه ابتدا مقاله‌ای پیرامون وضعیت کنونی جنگ و توضیح شعار تهدید، جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی و وظایف جریانهای سیاسی در خارج از کشور نیز ارائه شد. سپس گروه موسیقی چند ترانه و سرود مترقی اجرا کرد. پس از آن قطعه شعری از برتولت برشت دکلمه شد. در همین بخش از برنامه پیامهای همبستگی به سچففا از طرف میر

هند

دهلی - به پاس گرامیداشت شانزدهمین سالگرد حماسی سیاهکل و هشتمین سالگرد قیام شکوهمند تودمهای تحت ستم میهنان، مراسمی در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۸۷ از سوی سازمان دانشجویان ایرانی در هند - هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار گردید. این بزرگداشت که در دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی و باحضور تعدادی از هموطنان ایرانی که با پذیرش مشکلات چندی به محل اجرای مراسم آمده بودند، با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جاودان هزاران به خون تپیدهی خلق در بهمن و دیگر ماههای آرمان و شهادت، آغاز شد. به دنبال آن پیام سازمان دانشجویان در هند به مناسبت این دو روز تاریخی خوانده شد و سپس گروه هنری، سرود ۱۹ بهمن را به یاد حماسی سیاهکا، که تداوم راهش همچنان نوید پیروزی فرداست، اجرا کرد. در ادامه قطعه شعری به نام سیاهکل به یاد شهید بهژن جزنی



خوانده شد. پس از آن یک شعر کردی به نام آوارگان کردستان و فلسطین و شعر توماج به یاد شوره‌های ترکمن صحرا خوانده شد. سپس نمایشنامه‌ای به نام فریفتار که توسط یکی از رفقای هوادار نوشته شده بود، در سه پرده اجرا شد. در قسمت بعدی برنامه، شعر در بند او از سعید سلطانپور خوانده شد و بعد از آن میان پرده‌ای از فرصت طلبی و سالوسی حزب خائن توده اجرا شد. در تعاقب آن تک خوانی بلوچی که بهانی از رنج و ستم خلق بلوچ طی سالیان دراز سلطی ارتجاع و امپریالیسم بود، توسط چند تن از رفقا اجرا گردید. در ادامه شعر در این بن بست شاملو خوانده شد. در قسمت آخر برنامه فیلم مرگ بر امپریالیسم اثر فدایی زنده‌یاد سلطانپور نمایش داده شد. این برنامه، که ۴ ساعت به طول انجامید با سرود دستجمعی آزادی و با ابراز احساسات شرکت کنندگان به پایان رسید. پیامی نیز از طرف حزب اتحادیهی سوسیالیستهای مرکزی هند به همین مناسبت دریافت و خوانده شد. □

فیلمی به نام مبارزه در ویکتز (جزیره‌ای در پرتوریکو) به نمایش درآمد. بدین ترتیب گرامیداشت سیاهکل و قیام با موفقیت به پایان رسید. این برنامه با استقبال ایرانیان مترقی و نیروهای سیاسی غیرایرانی روبرو شد. □

شیلی، حزب انقلابی تمام خلقهای آمریکا و هفتنامی گاردین خوانده شد. در قسمت دوم، سخنرانی انگلیسی پیرامون رویدادهای اخیر ایران و مسأله روابط رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا ارائه شد و در انتهای برنامه

ایتالیا

پروجا - بزرگداشت قیام بهمن و سالروز رستاخیز سیاهکل در شهر پروجا ایتالیا، با شرکت ۸۰ نفر از ایرانیان مقیم این شهر برگزار شد. در این برنامه پس از اعلام یک دقیقه سکوت به یاد به خون تهیدگان انقلابی، پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خوانده شد. پس از اجرای دکلمه و برنامه‌ی گروه سرود، شرکت کنندگان در بحث آزاد بهرامون برنامه‌ی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و اتحاد عمل نیروهای انقلابی، شرکت کردند. شهر پروجا، از مراکز فلاترهای جمهوری اسلامی در ایتالیا به شمار می‌رود و برگزاری این جلسه، موفقیتی برای هواداران سازمان است. □

فرانسه

پاریس - روز جمعه ۱۳ فوریه، انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مراسم باشکوهی به مناسبت شانزدهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل و هشتمین سالگرد قیام بهمن برگزار کرد. در این بزرگداشت بیش از ۳۵۰ نفر از هواداران سازمان و ایرانیان مقیم پاریس شرکت داشتند. در آغاز برنامه پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خوانده شد و سپس گروه موسیقی ایرانی به همراه گروه کر برنامه‌ی جالبی اجرا کرد.

در بخشهای دیگری از برنامه پیام میر شیلی به وسیله‌ی یکی از اعضای این سازمان خوانده شد و از طرف سازمان دو پول (راه انقلابی) ترکیه، حزب کارگران کردستان ترکیه و اتحادیه‌ی کمونیستهای آفریقا نیز پیامهایی خوانده شد. برنامه‌ی موسیقی آمریکای لاتین که توسط یک گروه از کشور شیلی به اجرا درآمد با استقبال شرکت کنندگان روبرو شد. این مراسم یکی از موفقیت‌آمیزترین برنامه‌های هواداران سازمان در فرانسه، در چند سال اخیر به شمار می‌رود. □

اتریش

وین - سازمان دانشجویان ایرانی در اتریش - هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در اتحاد با هواداران دیگر نیروهای انقلابی و عناصر مترقی، روز دوشنبه ۹ فوریه، در اعتراض به افتتاح فستیوال فیلمهای جمهوری اسلامی که در وین برگزار می‌شود، تظاهرات ایستاده‌ای در مقابل تالار نمایش برگزار کرد. هنگامی که تعدادی از تظاهر کنندگان کوشیدند وارد سالی نمایش شوند تا به افشای جنایات جمهوری اسلامی بپردازند، با یورش وحشیانه‌ی پاسداران سفارت جمهوری اسلامی در وین روبرو شدند. به این علت پلیس اتریش دخالت کرده، مانع از برگزاری مراسم افتتاح فستیوال شد. اگرچه این فستیوال از روز بعد، تحت حمایت مستقیم پلیس وین به کار خود ادامه داد اما از آن تاریخ نیز هر روز نیروهای مترقی به همراه هواداران سازمان، با برگزاری تظاهرات ایستاده در مقابل محل فستیوال اعتراض خود را به گوش مردم اتریش می‌رسانند.

در همین رابطه رفقای هوادار اطلاعیه‌ای صادر کرده‌اند که ما بخشهایی از آن را در زیر درج می‌کنیم.

... رفقای ما همراه با هواداران برخی از نیروهای سیاسی مترقی و دیگر هموطنان مبارز در روز افتتاحیه‌ی فستیوال در تاریخ ۹ فوریه ۸۷ یا حضور در سالی نمایش فیلم به پخش اعلامیه و توضیح شفاهی به حاضرین در سینما می‌نمایند، رژیم که در هراس دایم خویش از فعالیت نیروهای مبارز دست به بسیج دهها پاسدار و مزدور حزب‌اللهی زده بود ابتدا قصد جلوگیری از ورود نیروهای مبارز را به درون سینما داشته که با حرکت رفقا این عمل خنثی شده و رفقای ما به درون سالی سینما وارد می‌شوند که به محض ورود با افشاگریهای خویش نقاب فریب از چهره‌ی این جلادان برگرفته و به اعتراض علیه آنها می‌پردازند. مزدوران

رژیم که ادامه نمایش فیلم را با خطر تعطیل و تحریم روبرو می‌دیدند با فریادهای دیوانه‌وار و به کار بردن عبارات رکیک به معترضین پورش آورده که رفقا نیز به مقابله برمی‌خیزند، فضای محل برگزاری فستیوال در غریو شعارهای کوبنده‌ی 'سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، مرگ بر خمینی جلاد' به لرزه می‌افتد. مسؤولین سفارت وحشت زده و درمانده از نیروهای انتظامی کمک طلبیده و با حضور دهها مامور امنیتی و پلیس و گارد ویژه و با بستن خیابانها درگیری را با دخالت خویش خاتمه می‌دهند. در این درگیری که چند تن از رفقای ما در حین آن مجروح گردیدند پاسداران صادراتی رژیم که بعضا مجهز به سلاحهای کمری در اوج شقاوت و وحشیگری قصد تیراندازی نیز می‌نمایند که با مداخله‌ی دیگر مزدوران موفق به این کار نمی‌شوند. بازتاب این آکسیون موفق در تقویت روحیه‌ی سایر ایرانیان مبارز و شکست جو سکوت و منفعل مثبت بوده و جمعی دیگر را به حمایت از ما کشانده که سالی سینما را ترک نموده و وقفه‌ای طولانی در نمایش فیلم به وجود می‌آید...

در این رابطه نکته قابل ذکر برخورد منفعل و محافظه‌کارانه‌ی برخی از جریانات سیاسی به اصطلاح مدعی دفاع و رهبری زحمتکشان میهنان در رابطه با این فستیوال و آکسیون اعتراضی ما بود، جریاناتی چون 'راه کارگر' و 'حزب کمونیست کومله' و بعضی جریانات روشنفکری ریز و درشت دیگر بار دیگر اعتقاد خویش را به طرق مبارزات قانونی و محافظه‌کارانه ثابت نموده علنا نشان داده‌اند که در پيله گرم عافیت طلبی تنیده به دور خویش و فعالیت محفلی روشنفکرانه و یا صنفی خویش مشغولند. عافیت جوانانی که از مفهوم مبارزه تنها مصالحه و سازش را درک می‌کنند و بعضا نیز با لفاظیهای 'تئوریک!' درصدد تخطئه ماهیت انقلابی مبارزات ما را می‌نمایند.

لازم به تذکر است که چند دقیقه

آلمان غربی



قبل از شروع آکسیون فوق خائنین توده‌ای و اکثریتی قصد نفوذ در صفوف نیروهای مبارز را نموده که با برخورد صریح رفقا خنثی شده و به بیرون از این صفوف رانده می‌شوند، اینان تا چندی پیش دست در دست مزدوران حزب‌الله به شکار انقلابیون مشغول بوده و به تأیید و حمایت حاکمیت می‌پرداخته‌اند و حتی مستقیماً در قتل رفیق شهرام میرانی دانشجوی مبارز هوادار سازمان در هند شرکت داشته‌اند امروز با رانده شدنشان از سوی بورژوازی حاکم به ظاهر به صفوف اپوزیسیون پیوسته تا بار دیگر جنبش خلق‌پایمان را با خیانت‌های مجدد خویش به شکست بکشانند.

هموطنان مبارز، دوستان، رفقا!

در تداوم آکسیون روز دوشنبه ۹ فوریه ۸۷ ما همراه با دیگر نیروهای مبارز هفته‌ی فستیوال فیلم را به هفته‌ی افشاگری از رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی تبدیل خواهیم نمود. با شرکت در آکسیون‌های افشاگرانه‌ی مختلف، رژیم را هرچه بیشتر بی‌اعتبار نماییم. □

آمریکا

شیکاگو - با هدف اعتراض به جنگ ارتجاعی ایران و عراق و محکومیت سیاست‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه در تاریخ ۳۱ ژانویه تظاهراتی با شرکت دهها نفر در مرکز شهر شیکاگو برگزار شد. این تظاهرات به دعوت نیروهای مترقی ایرانی و از جمله هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران انجام گرفت. در طول تظاهرات شعارهایی مبنی بر پایان یافتن جنگ، محکومیت هر دو رژیم ایران و عراق، قطع فروش اسلحه به هر دو رژیم و خروج ناوگان‌های دریایی آمریکا از منطقه داده می‌شد.

در پایان تظاهرات، قطعنامه‌ای که خواستار پایان یافتن جنگ و قطع فروش اسلحه و حمایت از انقلاب در ایران و عراق و سرنگونی هر دو رژیم ارتجاعی بود خوانده شد. □

اشتوتگارت - در تاریخ ۷ فوریه ۸۷ برابر با ۱۸ بهمن ماه ۶۵ نمایشگاه وسیعی از عکس و کتاب از طرف هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در شهر اشتوتگارت، آلمان فدرال، برگزار شد.

در این نمایشگاه عکس‌هایی از شهدای سازمان و عکس‌هایی از جنایات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و برخی کتابها و نشریات منتشر شده از طرف سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به نمایش گذاشته شده بود. این نمایشگاه که از ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعد از ظهر دایر بود، مورد بازدید بسیاری از آلمانیها، ایرانیها و دیگر خارجیان مقیم آلمان قرار گرفت.

در مدت برگزاری نمایشگاه، رفقای هوادار حدود هزار اعلامیه که بیانگر جنایات رژیم جمهوری اسلامی بود در میان بازدید کنندگان توزیع کردند.



فرانکفورت - روز شنبه ۱۴ فوریه، تظاهراتی به منظور محکوم کردن صدور اسلحه از سوی تمامی کشورها به ایران و عراق در شهر فرانکفورت انجام شد. در این تظاهرات ۱۵۰۰ نفر از هواداران نیروهای سیاسی ایرانی و خارجی شرکت داشتند. هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در آلمان فدرال و برلن غربی، با نیرویی متجاوز از ۴۰۰ نفر با حمل آرم سازمان، صف مستقلی را تشکیل می‌دادند.

تظاهرکنندگان با دادن شعار و حمل پلاکارد سیاست‌های جنایتکارانه‌ی امپریالیسم و کلیه‌ی کشورهایی را که با صدور اسلحه به طرفین جنگ ارتجاعی، در کشتار خلق‌های بی‌گناه ایران و عراق سهیم هستند، محکوم کردند.

این راهپیمایی که در ساعت ۱۱ صبح از جلوی دانشگاه فرانکفورت شروع شده بود پس از طی چندین خیابان اصلی شهر و توقف در مقابل سفارت آمریکا و خواندن قطعنامه‌ای در اعتراض به صدور اسلحه به ایران، در ساعت ۲/۳۰ بعدازظهر در یکی از میدان‌های اصلی شهر پایان یافت. این تظاهرات انعکاس وسیعی در تمامی وسایل ارتباط جمعی آلمان و برخی از رسانه‌های گروهی جهان داشت. ■



نیرو، نه از پلافرم و برنامه‌ی آن، بلکه از وزن سیاهی لشکر آن یا احیانا درجه‌ی احتمال به قدرت رسیدن آن حرکت کرده است.

راه کارگر، جهشی دیگر در منجلاب رفرمیسم

آن طور که مشاهده می‌کنیم اکثریت جناح کشتگر حتی پناه اظهارات راه کارگر بر اهم مواضع گذشته‌ی خود ایستاده است و تنها پیشرفت عمده‌اش از نظر راه کارگر ضدانقلابی خواندن حاکمیت 'همانا' از فردای قیام بهمن است.

ما برای آنکه خیال راه کارگر و کلیه‌ی کسانی را که تفاوت‌های اساسی ما بین جناح کشتگر و فرخ نگهدار و حزب توده و یا گذشته و حال این جریان‌ات قایل هستند خلاص کنیم و نشان دهیم که جناح کشتگر حتی بر سر همان یک موضعی که ظاهرا تغییر داده، ثابت نیست، به یک بند پاییزتر از همان بندی که حاکمیت را 'همانا' از فردای قیام بهمن ضدانقلابی می‌خواند مراجعه می‌کنیم.

۵- اما این رژیم تحت تاثیر تضادهایی که اهداف پان اسلامیستی و تمایلات خرده‌بورژوازی آن با امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران بزرگ ایران ایجاد می‌کرد، با نفوذ سیاسی آمریکا در ایران و با بورژوازی بزرگ وابسته‌ی ایران در کشمکش‌های حادی قرار داشت. لغو قراردادهای نظامی با آمریکا، برچیده شدن پایگاه‌های نظامی و جاسوسی آن، اخراج کارشناسان و مشاوران نظامی آمریکا از ایران، مصادره و دولتی کردن صنایع و بنگاه‌های بزرگ و وابسته، به ویژه سرمایه‌های وابسته به دربار و حول و حوش آن از جمله اقداماتی بود که علاوه بر عامل فشار قوی جنبش توده‌ای، تحت تاثیر حکومت نیز صورت گرفت. ('فدایی'، ارگان اکثریت کشتگر، شماره‌ی ۳۰، ص ۳۰، ستون اول)

این سخنان زمانی گفته می‌شود که پس از گذشت چندین سال تمامی زوایای

و سازنده و به دور از خصومت، مبارز می‌ایدئولوژیک حول استراتژی و خط مشی کمونیستی، ...

گویا تمامی دعوای راه کارگر با اکثریت جناح کشتگر بر سر همین یک جمله ضدانقلابی خواندن حاکمیت از فردای قیام بوده است و بقیه‌ی مسایا، یا از قبل، طبق موافقت‌های دو جانبه حل و فصل شده یا به زودی حل خواهد شد. راه کارگر در همان مقاله می‌نویسد:

پلنوم کمیته‌ی مرکزی س.ف.خ. که با عزیمت از دموکراسی بورژوازی به عنوان معیار انقلابی بودن به ضدانقلابی بودن رژیم جمهوری اسلامی رسیده است در توبه از خط مشی گذشته، خط مشی رفرمیستی را جایگزین آن ساخته است.

و در جای دیگر می‌گوید:

نکته‌ی دیگر اینکه پلنوم هفتم، حتی در عرصه‌ی دموکراسی نیز ناپیگیری و فرصت طلبی خود را آشکار کرده است. این پلنوم، سازمان مجاهدین خلق را که نه تنها دشمنی کینه‌توزانه‌ی خود را علیه کمونیستها و سوسیالیسم به اوج رسانده، بلکه در فاصله‌گیری‌های بی‌وقفی خود از اهداف دموکراتیک مردم نیز، حتی به آزادی‌های بورژوازی پشت کرده و روای ولایت مذهبی دیگری را در شعار 'رجوی - ایران، ایران - رجوی' فرموله کرده است، مهم‌ترین نیروی مرفقی در اپوزیسیون دموکرات رژیم ولایت فقیه قلمداد می‌کند و نشان می‌دهد که در تعیین میزان مرفقی و دموکرات بودن یک

در شماری قبل نشریه، بخشهایی از اطلاعیه‌های رفقای فرانسه و جمعی از پناهندگان سیاسی در شهر هانور، در مورد گامهایی که راه کارگر اخیرا در جهت اتحاد علنی با اکثریتی‌ها (جناح کشتگر) برداشته است، درج کردیم. در این شماره بخشهایی از اطلاعیه‌ی رفقای هوادار در سوئد، در همین رابطه را به چاپ می‌رسانیم. درج بخشهایی از این اطلاعیه به خاطر نکات دقیق و جدیدی است که این رفقا به تحلیل آن طی اطلاعیه‌ی خود پرداخته‌اند.

اخیرا راه کارگر در شماری آخر نشریه‌اش (راه کارگر شماره‌ی ۳۴ دی ۶۵) تحت عنوان مقاله‌ای به نام 'خلاصه‌ای از نظر ما درباره‌ی نتایج پلنوم هفتم کمیته‌ی مرکزی سازمان فداییان خلق ایران' با ذوق و شوق فراوان چنین می‌نویسد:

سازمان فداییان خلق ایران بر اساس اسناد منتشره در نشریه‌ی 'فدایی' شماره‌ی ۳۰ آذر ماه ۱۳۶۵ در پلنوم هفتم کمیته‌ی مرکزی خود سرانجام اعتراف کرد که رژیم جمهوری اسلامی، همانا از فردای قیام بهمن، رژیمی ضدانقلابی بوده است.

و پس از بررسی کوتاهی از پلنوم هفتم اکثریت جناح کشتگر در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

سازمان ما دیگر دلیلی برای بایکوت سیاسی سازمان فداییان خلق ایران نمی‌بیند و از همکاری و اتحاد عمل با آن در مبارزه برای دموکراسی و همچنین در زمینه‌ی جبهه‌ی متحد کارگری استقبال می‌کند و حق خود می‌داند که در چارچوب مناسباتی سالم

تاریک روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی با کمک و حمایت امپریالیستها و زد و بندها و قراردادهایش با آنها برای همه روشن گشته و تنها برای اکثریت کشتگر و راه کارگر میزان وابستگی رژیم به امپریالیستها ناروشن باقی مانده. رژیمی که به زعم اکثریت در جامعه سرمایه داری وابستگی ایران به مصادره و دولتی کردن صنایع و بنگاههای بزرگ و وابسته و به مبارزه با بورژوازی بزرگ و وابستگی ایران و امپریالیسم برمی خیزد! چگونه می تواند ضد انقلابی باشد؟

در حقیقت نقد راه کارگر بر دیگر مواضع پلنوم کشتگر تنها برای گول زدن آن دسته از هوادارانی است که هنوز بر سر ائتلاف راه کارگر با اکثریت دو دل و متزلزل هستند.

راه کارگر در همان مقاله می نویسد:

... گذشته از این همه، پلنوم هفتم در عرصه مبارزه سوسیالیستی نیز دیکتاتوری پرولتاریا را که تنها معرف و وجه تمایز کمونیستاست قلم گرفته و معلوم کرده است که افق آرمانهایش از دموکراسی بورژوایی فراتر نمیرود.

همان طور که مشاهده می شود نه بر سر مسایل گذشته و نه بر سر مضمون اساسی انقلاب ایران و صف بندی نیروهای آن بنابر اعتراف راه کارگر تغییر اساسی در نظرات اکثریت کشتگر صورت نگرفته است. پس چگونه راه کارگر حاضر به اتحاد عمل و همکاری با جناح کشتگر شده و سخاوتمندانه آنها را در جنبش کمونیستی ارزیابی می کند، اما در ظاهر امر با جناح فرخ نگهدار و حزب توده به مخالف خوانی پرداخته است. پاسخ ما بدین سوال این است که اصولاً نه تنها در شرایط کنونی بلکه از مدتهاست که تفاوتهای اساسی مابین نظرات راه کارگر و اکثریت و به تبع حزب توده وجود ندارد و آنچه وجود دارد یک سری مواضع خارجی است که بر سر راه وحدت راه

کارگر با این جریانها قرار داشته است که بهتر است آنها را از زبان خود راه کارگر بشنویم.

آنها در مقالی " " اکثریت: انحلال طلبی ... " همان شماری نشریه چنین می گویند:

اما چرا سازمان ما، ائتلاف از بالا با 'اکثریت' و حزب توده را به نفع تقویت مواضع پرولتاریا نمیداند؟ دلیل ما در تاکید بر انتقاد از سیاستهای گذشته و مشروط کردن همکاری با حزب توده و 'اکثریت' به این انتقاد، ناشی از موقعیت ویژه ای است که در آن قرار داریم.

و در جایی دیگر در همان مقاله: اگر قرار است انزواء معیار 'سکتاریسم' باشد باید گفت راه کارگر حداقل میتواند با بسیاری از گروههای سیاسی موجود، ائتلاف مودی یا پایدار داشته باشد. اما همه از شما همچون طاعون گریزانند.

در حقیقت جان کلام در همین دو نقل قول نهفته است. راه کارگر که نگران ایزوله شدن زودرس خویش نزد نیروهای انقلابی است، از اکثریت فرخ نگهدار و حزب توده می خواهد برای آنکه سلاح برندهی افشاگری را در راه وحدتشان با راه کارگر از دست مخالفین در بیاورد، آنها کمی انعطاف به خرج داده و مانند جناح کشتگر حاکمیت را 'همانا از فردای

قیام بهمین ضد انقلابی' ارزیابی کنند. و این درست همان چیزی است که اکثریت کشتگر در مورد جناح فرخ نگهدار در پلنوم خود می گوید.

آنها در پلنوم هفتم می نویسند: ... تحت تاثیر همین مبارزه

نیروهای انقلابی و تلاش نیروهای درونی اکثریت است که این جریان اخیراً به نوعی عقب نشینی از برخی مواضع گذشته در پذیرش یک رشته واقعیات پرداخته و انتقاداتی را به بعضی از سیاستهای گذشته خود مطرح کرده است. ('فدایی'، شماری ۳۰، ص ۲۱، ستون اول)

ما از صمیم قلب به راه کارگر مرده می دهیم که همان طور که کشتگر به خود انتقاد کرد طبق سنت قدیمی اپورتونیستها و رفرمیستها، برای فرخ نگهدار و علی خاوری نیز اعتراف به گوشه ای از گذشتهی ننگینشان مشکل بزرگی نباشد (کما اینکه مقدمات کار کاملاً فراهم گشته و آنها بالاخره انتقاداتی را هم به خود می پذیرند و راه کارگر را چندان چشم انتظار باقی نگذاشته اند)، و حاکمیت را 'همانا از فردای قیام بهمین ضد انقلابی' خواندن از جانب آنان چندان دور از انتظار هم نباشد، مشروط بر آنکه راه برای رسوخ جدیدشان در صفوف انقلاب و ضربهی سنگین تری به آن زدن در آیندهی نه چندان دور توسط جریانانی نظیر راه کارگر هموار گردد.

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - استکلم ۵ فوریه ۱۹۸۷



ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را بخوانید



برای تسهیل ارتباط فکری جنبش چپ

می‌باشند، از این نکته غافل است که این انسانها هستند که شرایط را تغییر می‌دهند و لذا خود مری را باید تربیت کرد. این آموزش ناگزیر بدین جا می‌رسد که جامعه را به دو بخش تقسیم می‌کند که یک بخش آن مافوق جامعه قرار دارد (فی‌المثل در نزد رابرت اون).

تطابق شرایط متغیر با فعالیت انسانی را تنها می‌توان به مثابه پراتیک انقلاب‌گر درک کرده و بر آن آگاهی یافت. (تز سوم)

آنارشیزم

آنارشیزم (Anarchism)، انحرافی است از اصول، تئوری و پراتیک مارکسیسم - لنینیسم، چراکه مبتنی است بر رد هرگونه اعمال اتوریته از بالا، به ویژه توسط دولت و حزب، در روند رهایی کارگران از یوغ بندگی و یزگی آنارشیزم را می‌بایست در مطلق گرایی آن در دفاع از روابط غیرمتمرکز در نهادهای مبارزاتی کارگران و در ضدیت با سائترالیسم دموکراتیک جستجو کرد. منهای تئوریک و برنامه‌ی عملی آنارشیزم در اروپا (به ویژه در فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و روسیه) و به درجات

چراکه نخبه‌گرایی درست در نقطه‌ی مقابل مساوات و برابری و عدالت اجتماعی بوده و معمولاً توسط طبقات مالک و حاکم به مثابه بهانه‌ای در راستای استثمار طبقات و توده‌های تحت ستم به کار گمارده می‌شود. اگرچه مارکسیسم - لنینیسم، بر این واقعیت که جامعه‌ی طبقاتی ریشه و بستر بروز نابرابریهای اجتماعی و گسترش الیتیزم است، تاکید دارد، با این حال در حد قبول صرف این واقعیت عینی خود را محدود نساخته و بالعکس همواره در راستای مبارزه‌ی بیرحمانه با گرایشات الیتستی و نخبه‌گرایانه حرکت می‌کند. مارکسیستها معتقدند که با انجام انقلاب اجتماعی و ریشه‌کنی نابرابریهای جامعه‌ی طبقاتی، باید جامعه‌ای ساخته شود که در آن، همی افراد، صرف‌نظر از جنس، نژاد، مذهب و ملیت خویش، به یک اندازه از ثروت و امکانات آموزشی و اجتماعی بهره‌ور شوند. جامعه‌ای 'که در آن تکامل آزادانه‌ی هر فرد شرط تکامل آزادانه‌ی همگان' باشد (مانیفست حزب کمونیست). منهای فلسفی الیتیزم را، مارکس در تزهایی دربارهی فوئرباخ بدین صورت بیان کرد:

این آموزش ماتریالیستی که انسانها محصول شرایط و تربیت‌اند، و لذا افرادی که تغییر یافته‌اند زائیده‌ی شرایط دیگر و تربیت متفاوتی

برای غنی‌تر ساختن کمی و کیفی صفحه‌ی "فرهنگ فشرده..." لیست یا متن فشرده‌ی واژه‌های سوال‌برانگیز خویش را به نشانی نشریه‌ی "جهان" بفرستید. نوشته‌های شما در اختیار مسئولین صفحه قرار گرفته، و پس از تنظیم و حک و اصلاح در شماره‌های بعدی "جهان" درج خواهند گشت.

الیتیزم

الیتیزم (Elitism) یا 'نخبه‌گرایی'، انحرافی است از مارکسیسم - لنینیسم به مثابه روش علمی رهایی کارگران. الیتیزم مبتنی است بر دفاع آشکار یا ضمنی از اجتناب ناپذیر بودن تقسیم جامعه یا گروه‌های اجتماعی به خیرگانی حاکم از یک سو و توده‌های تحت حاکمیت از سوی دیگر. مبلغین این مکتب معتقدند که خیرگان معمولاً بر مبنای جنس، نژاد، ملیت، مذهب، ثروت، درجه‌ی آموزش و تجربه، نوع شغل، یا استعدادهای کسب شده‌ی زندگی، از دیگر اعضای جامعه متمایز شده و فراتر از دیگران قرار می‌گیرند. مارکسیسم - لنینیسم، با هرگونه الیتیزم بیگانه است

کمتر در آمریکای لاتین در اوایل قرن نوزدهم شکل گرفت. تئوریسینهای اصلی آن و.گودوین (۱۸۳۶ - ۱۷۵۶)، پرودن، ک.اشمیت (۵۶ - ۱۸۰۶)، ای.رکلوس (۱۹۰۵ - ۱۸۳۰)، باکونین، ب.کروپتکین، تولستوی و اما گلدمن (۱۹۴۰ - ۱۸۶۹) بودند.

این گرایش در دهه‌های اخیر، به ویژه پس از دهی ۶۰، در غالب چپ جدید در برخی جنبشهای دانشجویی دوباره احیا شده است. آنارشیزم در حیطی تشکیلاتی نهادهای مبارزاتی کارگران عمدتاً در سه شکل اصلی ظاهر می‌شود:

۱- آنارکو - اندیویدوالیزم، که مبتنی بر گرایش فردگرایانه‌ای است که بازگشت به اقتصاد 'آزاد و رقابتی' خردهمالکین مستقل، از یکدیگر را طلب می‌کند؛

۲- آنارکو - سندیکالیزم، که اتحادیه‌ها یا تعاونیه‌ای (آنارکو - کئوپراتیویسم) کارگری را وسیله مناسب خودکفایی برای سازماندهی عمومی روابط جامعه‌ی نوین قلمداد می‌کند؛

۳- آنارکو - کمونیسم، که برای ایجاد جامعه‌ی نوین کمونیستی، نیازی به پروسه‌ی گذار، که در آن دیکتاتوری پرولتاریا از طریق حزب و دولت پرولتری اعمال گردد، نمی‌بیند و خواهان تحقق بلافاصله‌ی کمونیسم از طریق مطلق کردن نقش نهادهایی مانند شوراهای و کم بها دادن به نقش حزب پرولتری در قبال آنهاست. این شکل از آنارشیزم، در آغاز توسط آنارشیزستهای روسی، به ویژه کروپتکین در اثری در سال ۱۸۹۲ بیان شد.

سانترالیزم دموکراتیک

سانترالیزم دموکراتیک (Democratic Centralism)، اصل عمومی حاکم بر تشکیلات (حزب و نهادهای دولتی) پرولتری است. سانترالیزم دموکراتیک یعنی رهبری متمرکز بر پایه‌ی

دموکراسی درون سازمانی و دموکراسی تحت رهبری متمرکز. هدف این روش سازماندهی، تضمین اعمال متمرکز اراده‌ی جمعی اعضای تشکیلات پرولتری در روند مبارزه‌ی طبقاتی علیه بورژوازی در راستای ایجاد جامعه‌ی کمونیستی است. این واژه برای اولین بار توسط بلشویکها در کنفرانس تامرفورس (Tammefors) در دسامبر ۱۹۰۵، به کار گرفته شد و نهایتاً با اصرار لنین، به مثابه اصل ثابت تشکیلاتی حزب شناخته شد. پذیرش و اعمال این اصل، همچنین، به مثابه یکی از ۲۱ شرط برای ورود احزاب کمونیست جهان به کمینترن، در نظر گرفته شده بود.

ارکان اساسی سانترالیزم دموکراتیک بدین قرارند:

۱- انتخابی بودن کلیه ارگانهای تشکیلات از پایین به بالا، توأم با حق این ارگانها در تقسیم کار، تصمیم‌گیری و اجرای امور خویش به طور مستقل در چارچوب موازین تعیین شده در انتخابات؛

۲- الزامی بودن گزارش دهی مرتب ارگانهای بالاتر به ارگانهای پایینتر و بالعکس در مورد فعالیتهای خود، اجرای امر انتقاد و انتقاد از خود در همه رده‌ها و محفوظ بودن حق بحث و مبارزه‌ی ایدئولوژیک آزاد در درون سازمان؛

۳- تبعیت فرد از جمع، اقلیت از اکثریت و ارگانهای پایینتر از ارگانهای بالاتر. یعنی غیرمجاز بودن فراکسیونیزم و تشکیل فراکسیون به هر شکل، توأم با مبارزه‌ی بیرحمانه علیه بوروکراتیزم / لیبرالیزم در تمام سطوح سازمان و اجرای تنبیه تشکیلاتی در صورت تخلف از هر یک از موازین فوق.

اگرچه مناسبات درونی تشکیلات پرولتری بر اصل لنینی سانترالیزم دموکراتیک استوار است، با این حال باید توجه داشت که درجه‌ی تحقق سانترالیزم دموکراتیک چه در وجه سانترالیزم و چه در وجه دموکراتیزم آن، یک امر دگم و از پیش تعیین شده

و مجرد از شرایط خاص تاریخی نبوده و برعکس با توجه به این شرایط تاریخی چه در عرصه‌ی بین‌المللی و چه در عرصه‌ی ملی است که مفهوم پیدا می‌کند. اساساً می‌توان گفت که درجه‌ی تحقق سانترالیزم دموکراتیک در تشکیلات پرولتری از یک سو تابعی از مرحله‌ی تکامل و رشد تشکیلات و از سوی دیگر تابعی از شرایط تاریخی‌ای است که آن تشکیلات در بطن آن قرار دارد. در شرایط دیکتاتوری و ترور پلیسی، دموکراتیزم نمی‌تواند جز اسباب لطمه به تشکیلات را فراهم کند.

تنها اصل تشکیلاتی جدی برای کارگران فعال جنبش ما می‌بایست شدیدترین مخفی کاری، دقیق ترین نحوه‌ی انتخاب اعضا و تربیت انقلابیون حرفه‌ای باشد. با فراهم شدن این شرایط، چیزی بیش از دموکراتیزم برای حزب تضمین خواهد شد، یعنی، اعتماد رفیقانه‌ی متقابل مابین انقلابیون. (لنین، چه باید کرد؟)؛

این آنارشیزم اشرافی از خصوصیات ویژه‌ی نیهیلیست روسی است. او فکر می‌کند سازمان حزب یک 'کارخانه‌ی غول آساست'؛ او تابعیت جزء از کل، و اقلیت از اکثریت را 'بردگی' قلمداد می‌کند؛ تقسیم کار تحت هدایت یک مرکزیت موجب اعتراض تراژدی - کمدی گونه‌ی او می‌شود که افراد به 'چرخ دنده' تبدیل شده‌اند... (لنین، کلیات آثار، جلد ۷، ص ۳۹۲).

در عین حال، لنین در اثر خود، تجدید سازماندهی حزب، می‌نویسد:

ما نمایندگان سوسیال دموکراسی، حامیان 'اکثریت' مکرر گفته‌ایم که دموکراتیزه شدن کامل حزب در شرایط کار مخفی امکان پذیر نیست و در چنین شرایطی اصل 'انتخابی' یک عبارت پردازی محض است... اما ما بلشویکها همواره پذیرفته‌ایم که در شرایط جدید، هنگامی که آزادیهای

سیاسی به دست آمدند، پذیرش اصل 'انتخابی' ضروری خواهد بود. بدین

بدین ترتیب، می‌توان مشاهده کرد که چگونه سانترال‌لیسم دموکراتیک به مثابه روشی پویا، امر سازماندهی پرولتاریا را در مراحل مختلف مبارزه و در شرایط متفاوت تاریخی، هموار ساخته و حداکثر انعطاف تشکیلاتی را در مبارزه قهرآمیز پرولتاریا علیه دشمن طبقاتی‌اش به ارمغان می‌آورد، و این در حالی است که اصل سانترال‌لیسم دموکراتیک لنینی هم با الیتسم (اعمال یک جانهی اتوریتهی نخبان بر سرنوشت اعضا و تشکیلات) و هم با آنارشسیم (ظرفه‌روی از اتوریتهی متمرکز جمعی تشکیلات در روند مبارزه) بیگانه است. چرا که هدف اصلی این روش سازماندهی، تضمین اعمال متمرکز ارادهی جمعی اعضای تشکیلات پرولتری در روند مبارزهی طبقاتی است. در مبارزه خود برای قدرت سیاسی، پرولتاریا هیچ سلاحی جز تشکیلات خویش ندارد. □



«کبوتر پرقیچی»

لنین، در چه باید کرد؟ (منتخب آثار انگلیسی، ص ۱۶۸)، برای نشان دادن عواقب اکونومیسم و کوتاهی در خودسازی سازمان انقلابیون حرفه‌ای با نقشه، مخفی کار و منضبط، می‌گوید:

'طبع پلیس تقریباً همیشه همی رهبران عمدی جنبش محلی را، از آنجا که از همان زمان دانشجویی برای خود 'شهرتی' کسب کرده بودند، می‌شناخت و فقط در انتظار لحظی کاملاً مناسب برای یورش بردن به آنان بود و برای آن که پروندهی جرم محکم پسندی در دست داشته باشد عمداً به محفل فرصت می‌داد تا به قدر کفایت رشد کند و

دامنه‌ی کار خود را توسعه دهد و همیشه چند نفر از اشخاصی که به حالشان وقوف داشت را 'برای زاد و ولد' (این اصطلاح تکنیکی است و آن طور که من اطلاع دارم هم از طرف ما و هم از طرف ژاندارمها به کار برده می‌شود) عمداً باقی می‌گذاشت.

در ترجمه‌های فارسی این اثر لنین، 'برای زاد و ولد' (for breeding) اصطلاحاً 'کبوتر پرقیچی' ترجمه شده است و بعدها به همین صورت در جنبش رایج گشته است؛ 'کبوتر پرقیچی' کبوتری است که کبوتربازان با قیچی کردن پر و محدود کردن قدرت پروازش، آن را به مثابه طعمه‌ای برای جلب کبوترهای دیگر(ان) به بازی می‌گیرند. در حیطه‌ی فعالیت نیروهای انقلابی، به ویژه در شرایطی که جنبش هنوز در دوران ماقبل حزبی ست، همواره امکان 'کبوتر پرقیچی' شدن فعالین محلی وجود دارد؛ از این رو 'کبوتر پرقیچی' شدن به خودی خود، لزوماً مترادف با خیانت‌کار بودن نیست. 'کبوتر پرقیچی' ای که نداند 'کبوتر پرقیچی' است، نهایتاً عضوی بی‌توجه و لاپالای است (که این، البته، از خصوصیات طبقاتی غیرپرولتری است)؛ 'کبوتر پرقیچی' ای که بداند و

دستورهای سازمان خویش را در برون رفت از دام پلیس اجرا کند، نیز، هنوز، خیانت‌کار نیست، ولی 'کبوتر پرقیچی' ای که با وجود آگاهی از موقعیت خویش، از دستورات سازمان خویش برای خنثی کردن ضربیهی پلیس عمداً سر باز زند و در نتیجه اعضای دیگری را به تله اندازد، خیانت‌کار است. خیانت‌کار بودن 'کبوتر پرقیچی' ای که با پلیس همکاری کند، که دیگر، مسجل است. ■

منابع:

- ۱- مارکس و انگلس، مانیفست حزب کمونیست، منتخب آثار انگلیسی، چاپ مسکو.
- ۲- لنین، چه باید کرد؟، منتخب آثار انگلیسی، چاپ مسکو.
- ۳- لنین، تجدید سازماندهی حزب، همان جا.
- ۴- سچفخا، اپورتونیسم راست اینبار در مسایل تشکیلاتی، ۱۳۶۵.
- 5- Bottomore, et.al., A DICTIONARY OF MARXIST THOUGHT.
- 6- Wilczyński Józef, AN ENCYCLOPEDIA DICTIONARY OF MARXISM, SOCIALISM AND COMMUNISM.

را که خوشبختانه با حیثیت مردم ما گره خورده است، حفظ کنم و تو از هر لحاظ در این مبارزه نقشی بزرگ خواهی داشت. از نظر یک همسر در غیاب شهرش، و از نظر یک مادر در غیاب پدر فرزندانش که نقش مربی برای آنها دارد، از نظر یک رفیق در سنگری تنها و دور از رفیقش و از نظر معشوق دور از عاشقش و بیش از این نمی‌نویسم. واقعیت‌های دور و بر ما آنقدر گویاست که نیازی به لفظ ندارد. بازهم ترا می‌پوسم و هر چاکه باشم هرگز، هرگز ترا و زندگی مشترکمان را از جلو چشم دور نخواهم داشت. ■

بیژن ۴۷/۱۲/۸

۴۲

یونانه از بیژن

صدها فرسنگ دورتر در تبعید باشم دمی از خیالت و زندگیت و رنجهایت غافل نخواهم بود و بچه‌ها با بهانه‌هاشان با احساساتشان. سرنوشت من و تو نه فقط سرنوشتی پرافتخار است بلکه سند محکومیت جباران، ستمگران و دشمنان ملت ماست. سند محکومیت سازشکاران و فواحش سیاسی است. من امیدوارم طی سالهای آینده که امیدوارم برای ما اگرچه غم انگیز است ولی نویدبخش باشد، بتوانم یکمک تو شرف و حیثیت خودمان

تکنیکهای شعری به خودی خود شاعری است، و محتوا، خود به نحوی از انحاء از لایبای تکنیک عالی شعری سر برون می‌آورد، 'رهایی' در نشان دادن نقش تعیین کننده‌ای بود که محتوای زندگی خود شاعر در کار شاعری ایفا می‌کرد.

بنابراین، گوتی آزادگر اعلام کرد که فرهنگ زندگی، اساس و بنیان فرهنگ هنری و ادبی را تشکیل می‌دهد. البته مسخره خواهد بود که گوتی گوتی را طوطیوار در اینجا تکرار کنیم. همی ما به اختلافات اساسی عصر گوتی و زمان خودمان واقفیم و از تفاوت وظایفی که ادبیات دو دوره با آن روبرو بودند، باخبر.

معذا علیرغم تمامی این اختلافها، عقاید اساسی گوتی به ویژه در زمان فعلی برای ما بزرگ ترین اهمیت را دارند. پس از اینکه مقاله‌ای در پراودا انتقادی به جا و عادلانه از ادبیات ما طرح کرد و طبیعت گرایی (ناتورالیسم) و شکل گرایی (فرمالیسم) را موضوع بحثهای دائمی ساخت، گفت و گویی طولانی در انجمن نویسندگان شوروی در گرفت. متأسفانه ماکسیم گورکی نتوانست در آن جلسه حضور یابد، اما نقطه نظراتش را با وضوحی که ویژه‌ی او بود در مقاله‌ای مطرح کرد: 'از آنجا که این منظره از درون خود انجمن نشأت نگرفته و از خارج پیشنهاد شده است، ممکن است این تردید به اذهان خنجر کند که آیا موضوع از حیطه کلمات و بگو و مگو فراتر میرود یا نه.'

این کلمات مهم بیانگر نقش آزادگری است که گورکی در ادبیات ما ایفا کرد. او متوجه بود که زندگی، خود با پویشی شگرف، مسالهی ریشه‌کن کردن بقایای سرمایه‌داری در اتحاد شوروی را پیش روی ما قرار می‌دهد، ولی همچنین متوجه بود که بسیاری از نویسندگان شوروی به این مساله اساسی و حیاتی تنها از زاویهی محدود کار ادبی می‌نگرند و پس.

فرهنگ ادبی چیست؟ پیش و بیش از هر چیزی، فرهنگ ادبی آگاهی به عظمت بشریست، توانایی دیدن عظمت بشریست در هر جایی که حقیقتاً خود را در جریان زندگی بنمایاند، هرچند که در اشکال ناپیدا و ناکامل، ناتوان از تبلور شفاف و تام و تمام، باشد. فرهنگ ادبی توانایی کشف رشد بشری و تجربه‌ی آن با درکی ریشه‌دار و درونی است، توانایی تشخیص چیزهای نوین، چیزهایی که آینده آپس‌تن‌شان است، در اولین نمودشان.

گورکی در اولین سخنرانی‌اش در کنگره سراسری نویسندگان شوروی از این زاویه به انتقاد از ادبیات ما



ماکسیم گورکی

اثر: لوکاج

است؟ پاسخ اینست: او الگو، استاد و راهنمای ما بوده است. اما همی این صفات فقط تصویر نادقیقی از اهمیت او ترسیم می‌کنند. اگر بخواهیم تعریف دقیق تری ارائه دهیم، شاید مناسب باشد آنچه را که گوتی در سال مرگش درباره‌ی رابطه‌اش با نویسندگان جوان‌تر از خود گفت، نقل کنیم: 'استاد کسی است که تحت راهنمایی او به ادامهی فعالیت هنری‌مان می‌پردازیم، کسی که در تلاشمان برای تبحر یافتن، قدم به قدم ما را از خم و چم راه آگاه می‌کند. استاد کسی است که به ما اصولی را می‌آموزاند که با به کار بستن آنها می‌توانیم از مطمئن ترین طریق به سرمنزل مقصود برسیم. از این نظر، من استاد کسی نبوده‌ام. اما اگر قرار باشد بگویم که من برای آلمانیها، به ویژه برای شاعران جوان، که بوده‌ام، می‌توانم خود را یک آزادگر معرفی کنم.' گوتی این تاثیر رهایی بخش را چنین خلاصه کرد که آنچه او به شاعران جوان آموزانده است آن بود که بیش از هر چیزی زندگی‌شان را غنی و صادقانه سازند. گوتی چنین جمع بندی می‌کند: 'اما محتوای شاعرانه همان محتوای زندگیست.' زبان و تکنیک شعری آلمانی در آن زمان خود از موقعیت ممتازی بهره‌مند بود. توصیفهای شاعرانه، دیگر با مشکلات صعب و از میان برنداشتنی روبرو نبودند. برعکس، خطر تکنیک عالی ولی بی‌محتوا وجود داشت، خطر یکی گرفتن تبحر در ظرافتهای تکنیک شعری با ارزشهای واقعی شعر. آن خطر و گزندگی که گوتی ادعا می‌کرد شاعران جوان را از آن رها نموده، این توهم بود که تبحر در

مولوتف در خطابه‌ی تدفینش بر مزار گورکی گفت: 'پس از مرگ لنین، درگذشت گورکی سخت ترین ضربه‌ایست که بر پیکر کشور ما و تمامی جامعه‌ی بشری وارد آمده است.' بزرگ ترین نویسنده‌ی عصر ما با زندگی بدرد گوتی است. ما نه تنها از نعمت آثاری که نبوغ او می‌توانست به ما ببخشد، بلکه از نعمت وجود خود او محروم شده‌ایم: انسانی که مجموعه‌ی زنده‌ای بود از تمامی ارزشهای گذشته، میراث واقع گرایی سوسیالیستی و مدرک ملموس و زنده‌ای برای ما و تمامی جهانیان دال بر اینکه انقلاب پرولتری و سوسیالیسم پیروز، شکوفایی خارق‌العاده‌ی فرهنگ را به ارمغان می‌آورد. تمامی جهان سوگوار این انسان کبیر است، اما بزرگ ترین محرومیت، از آن نویسندگان شوروی است. ما یتیم شده‌ایم. آموزگار، استاد و راهنمای ما مرده است و به همراه او، ما روح و جان ادبیات شوروی را از دست داده‌ایم.

اگر بخواهیم آنچه را که ماکسیم گورکی، نویسنده، آموزگار و انسان، برایمان بود تعریف کنیم - و انجام این در وهله‌ی اول ناممکن است - تنها با وظیفه‌ای ادیبانه روبرو نیستیم. این مسوولیت، یک مسوولیت سیاسی به معنای واقعی کلمه است. انجام چنین وظیفه‌ای مستلزم تعریف مسوولیت نویسندگان است در مرحله‌ی فعلی تکامل، زمان پیشرفت مقاومت ناپذیر جنبش استاخنوف، زمان دموکراسی پرولتاریای پیروز، زمان ازهمپاشی تمایزات طبقاتی و سرآغاز محو تقسیمات اجتماعی شهر و روستا و کار فکری و عملی. گورکی برای ما نویسندگان چه بوده